

فرا تحلیل تأثیر اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی

شهلا باقری^۱

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

سید حسین نبوی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

شجاع بهرامی

دانشجوی دکتری رشته علوم اجتماعی، گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، ارائه فراتحلیلی از پژوهش‌های انجام شده پیرامون تأثیر الگوهای مختلف اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی ایرانیان می‌باشد. این تحقیق در حوزه تعاریف و مفاهیم مرتبط با اوقات فراغت، بیشتر متمرکز بر نظریات دومازیه، پارکر و رویکرد متأخرتر روجک، و چارچوب نظری آن بر اساس رویکرد جامعه‌شناسان کارکردگرا، بویژه دورکیم می‌باشد. این تحقیق با روشی فراتحلیلی و با استفاده از داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی تأثیر اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی ایرانیان از طریق مطالعه نمودهای آن در زمینه‌هایی همچون سرمایه اجتماعی، هویت ملی، سلامت اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی و مصرف فرهنگی پرداخته است. یافته‌های تحقیق بیانگر ضرورت بازنگری در رویکرد مرسوم است که اغلب اوقات فراغت را بعنوان متغیری وابسته در نظر می‌گیرد، زیرا نتایج این پژوهش نشان می‌دهد امروزه اوقات فراغت خود بعنوان متغیری مستقل می‌تواند سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی از جمله اخلاق اجتماعی را به انحاء مختلف تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژگان: فراتحلیل، اوقات فراغت، اخلاق اجتماعی.

مقدمه

با توجه به گسترش الگوها و رفتارهای فراغتی در دوران معاصر و اهمیت یافتن آن در زندگی اجتماعی، جامعه‌شناسی اوقات فراغت به عنوان یکی از حوزه‌های نوین در جامعه‌شناسی ظهور پیدا کرد. گرچه جامعه‌شناسان اولیه نیز در رابطه با موضوع فراغت تا اندازه‌ی صحبت کرده بودند. اما تنها از دهه ۱۹۷۰ بود که این حوزه تحت عنوان متمایزی ظاهر شد. مطالعه فراغت به عنوان امری اجتماعی و فرهنگی و بررسی تمایزات آن بر حسب الگوهای مختلف نا برابری اجتماعی از زمینه‌های مهم مطالعاتی جامعه‌شناسی فراغت محسوب می‌شود. (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۵۸). از طرفی، سازمان بهداشت جهانی ضمن توجه دادن کشورها در راستای تامین سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی اعضاء جامعه بر این نکته تاکید دارد که هیچ کدام از ابعاد سلامتی بر دیگر ابعاد آن برتری ندارد، رشد و تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه است و شناسایی عوامل تعیین کننده و مرتبط با آن در جهت سیاست گذاری و برنامه ریزی در سطوح خرد و کلان جامعه از دیدگاه سه بُعد جسمی، روانی و اجتماعی از مسائل اساسی هر کشوری محسوب می‌شود (مروندی، ۱۳۸۵: ۲۰).

در این رهگذر، می‌توان گفت سلامت اجتماعی هر جامعه‌ای بیش و پیش از هر چیز مرهون میزان پابندی و التزام افراد آن جامعه به موازین و اصول اخلاق اجتماعی می‌باشد. از جمله عواملی که می‌تواند در شکل‌گیری سلامت اجتماعی [از طریق بسط اخلاق اجتماعی] نقش مهم و اساسی داشته باشد، چگونگی گذران فراغت و میزان رضایت مندی از آن است. اهمیت این عامل اجتماعی در میزان اثر گذاری بر میزان سلامت اجتماعی تا آنجاست که صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت و تعلیم و تربیت از آن با عنوان اجتماعی شدن مجدد یاد می‌کنند (افروز، ۱۳۷۰: ۵۲). قائل شدن این نقش مهم و اساسی برای اوقات فراغت، بهانه لازم برای بررسی تأثیر آن بر اخلاق اجتماعی در این مقاله است. یکی از رهیافت‌هایی که در ابتدای به وجود آمدن نظرات فراغت بسیار پر نفوذ بود، رهیافت سیستم اجتماعی است. بر این اساس کارهای دوور، دومازدیه، راپاپورت و پارکر با تاکید بر کنش کارکردی و انسجام بخش رفتارهای فراغتی بر نظم اجتماعی داشتند در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی اهمیت زیادی داشت (روجک، ۲۰۰۵: ۵۹). بر اساس آنچه که هریس (۱۳۹۱) آورده است، پارکر در اثر خود - "فراغت و کار" - برخی از کارکردهای فراغت مانند کمک به افراد برای آموختن نحوه ایفای نقش خود در جامعه، نقش فراغت در دستیابی به اهداف فردی یا جمعی و نقش آن در منسجم ساختن جامعه را فهرست می‌کند (پارکر، ۱۹۸۳: ۳۳). او به نظریه پردازانی چون دومازدیه که کارکردهای سه گانه اصلی فراغت را ریلکس ساختن، سرگرمی و رشد فردی می‌دانند نیز اشاره می‌کند. (پارکر، ۱۹۸۳: ۳۵).

از منظر کارکردگرایی نیز فراغت یک خرده نظام فرهنگی است و دارای قواعدی است که مورد توافق گسترده اعضاء جامعه می‌باشد. در این دیدگاه، فراغت وفاق اجتماعی رابازنمایی و تقویت می‌کند. اوقات فراغت ارزش‌های فرهنگی موجود را منعکس می‌کند. افزون بر این، فعالیت‌های اوقات فراغت به حفظ الگوها و مدیریت تنش‌ها کمک می‌کند (جاروی و مگوانر، ۱۹۹۴: ۹).

در این راستا، خلاصه‌ای از رویکرد کلی مورد توجه دورکیم را می‌توان در ریتزر (۱۹۹۶) و استدلال ویژه‌ای را درباره اهمیت رویکرد دورکیم برای تحلیل فرهنگی، در اثر الکساندر (۱۹۸۸) یافت. با وام‌گیری از

الکساندر، شاید ارزیابی دورکیم در خصوص مذهب که نقش بنیادینی در علایق او دارد، بهترین انتخاب باشد. توجه به استعاره ها و قیاس های بسیار رایجی که برای فهم فراغت مورد استفاده قرار می گیرد، قرینه بسیار مفیدی را برای فهم تحلیل دورکیم به دست می دهد.

دورکیم بر آن است که نظام های فرهنگی و طبقه بندی ها، حیات خاص خود را دارند و در میان خود روابطی را برقرار می کنند که از پیوندهای اولیه با زندگی اجتماعی بلا فصل بسیار فراتر می روند... لذا چنین تحلیلی الزامات آشکاری را برای فهم فراغت در جوامع مدرن دارد. فراغت، بر خلاف کار که به طور فزاینده ای تفکیک شده، شکاف دهنده رقابتی، تخصصی شده و سلسله مراتبی است، یکی از عرصه هایی است که ممکن است امر مقدس در آن ظاهر شود (هریس، ۱۳۹۱: ۳۷۳-۳۷۱). به هر روی، تحقیقات گوناگون متمرکز بر کارکردهای اجتماعی فراغت نشان داده است که در دنیای کنونی، اوقات فراغت به عنوان یک پدیده فراگیر و اثرگذار چنان بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه تاثیر گذار است که برخی اندیشمندان از آن بعنوان تربیت غیر رسمی یاد می کنند که می تواند کارکرد و تاثیری به مراتب بیشتر از آموزش و تربیت رسمی بر فرد بگذارد. لذا در این راستا و طی این رساله، چگونگی تاثیر آن بر یکی از مفاهیم مهم اجتماعی به نام "اخلاق اجتماعی" در قالب تحقیقی فراتحلیلی از مطالعات انجام شده در ایران، مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ با تاکید بر این نکته که پرداختن به این موضوع و استخراج مولفه های اخلاق اجتماعی متناسب با وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران، از خلال کارهای تحقیقی که تاکنون تقریباً هیچ کدام رابطه فراغت و اخلاق اجتماعی را مستقیماً به بوته پژوهش نکشیده اند، در نوع خود کار جدیدی است که امید می رود با توجه به پدیده ها و مسائل جدید و متنوعی که جامعه امروز ایران در هر دو حوزه فراغت و اخلاق با آن دست به گریبان است، از این پس مورد عنایت و حساسیت بیشتر محققان و دانش پژوهان این عرصه قرار گیرد.

سابقه پرداختن علمی و پژوهشی در سطح بین المللی به مقوله فراغت به سال ۱۹۲۴ بر می گردد؛ در این سال دفتر بین المللی کار نخستین کنفرانس بین المللی را درباره وقت آزاد کارگران برپا کرد. سیصد نماینده از سوی هجده کشور در این کنفرانس شرکت کردند. اعتقاد عموم شرکت کنندگان بر این بود که هر چه زمان کار کمتر شود، باید به فعالیت های اوقات فراغت نظم بیشتری داده شود. چندی بعد، در ایالات متحده، طرح های پژوهشی در این مورد به جریان افتاد که معروف ترین آنها طرحی بود که رابرت و هلن لیند در فاصله سال های ۳۷-۱۹۲۹ در مورد فعالیت های اوقات فراغت در گذشته و حال به انجام رساندند. در سال ۱۳۹۴ ژرژ، لوندبرگ در مطالعه ای که از آن به بعد به صورت اثری کلاسیک درآمد، اظهار نمود فراغت نقطه تعامل فعالیت هایی است که به طور کلی وسیله ای برای رسیدن به هدف های دیگرند. فراغت به خودی خود هدف محسوب نمی شود. بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه شناسی اوقات فراغت ابعاد وسیع تری یافت. به نحوی که بر شمردن تک تک پژوهش هایی که در این باب انجام شده، امکانپذیر نیست. اما از جمله پژوهش های برجسته می توان به کتاب "جماعت تنها" اثر دیوید رایزمن که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد و نیز کتاب "فراغت در شهر" نوشته ژوفر دومازیه که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد اشاره نمود. ژوفر دومازیه در بررسی پژوهش های قبلی مربوط به اوقات فراغت به این نتیجه رسیده است که در بیشتر تحقیقات، اوقات فراغت به عنوان عامل تعیین شونده مطالعه شده است تا عامل تعیین کننده. به عبارت دیگر، تأثیر عوامل

مختلف چگونگی گذران اوقات فراغت طبقه یا گروه خاصی بررسی شده است، اما تأثیر روزافزون فراغت بر کار و روابط اجتماعی، ساخت اجتماعی و فرهنگ نادیده گرفته شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۱۶).

به اعتقاد تورکیلدسن نیز، تقریباً در همه جوامع، اوقات فراغت به منزله پدیده اجتماعی، در الزامات و ضرورت‌های اجتماعی درگیر شده است و به خوبی می‌تواند به مثابه تجسمی از روش کلی زندگی به شمار آید. چنین عقیده‌ای بی‌درنگ مفهوم «فرهنگ» را به میان می‌آورد (تورکیلدسن، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

بی‌تردید، به علت اهمیت و نقش سازنده و کارآمدی که انتظار می‌رود بهره‌وری مطلوب از اوقات فراغت در زمینه‌های مختلف داشته باشد، اوقات فراغت بعنوان متغیری مستقل و تاثیرگذار، به تدریج مورد توجه خاص صاحب نظران، سیاست‌مداران و سیاستگذاران قرار گرفته است و رفته رفته امر «فراغت» تا حدود زیادی از چنبره سنگین تعریف آن درحاشیه مفهوم «کار» رهایی یافته و با توجه به نقش تاثیرگذار آن بر عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی انسان، اندیشمندان و علاقه‌مندان حوزه‌های مختلف و بویژه کسانی که در وادی فرهنگ سیر می‌کنند را بر آن داشته تا با تحقیقات و مطالعاتی که با اصالت بخشی و تمرکز بر مقوله فراغت و صور، الزامات، دلالت‌ها و کارکردهای آن انجام می‌دهند، ضمن اینکه دولت‌ها را بعنوان متولی اصلی سیاستگذاری فرهنگی، متوجه اهمیت و حساسیت‌های این موضوع می‌نمایند، با ارائه راهکارهای مبتنی بر یافته‌های پژوهشی، آنها را در اتخاذ سیاست‌های فراغتی مطلوب که صلاح غایی جامعه را به دنبال داشته باشد، ترغیب و یاری نمایند.

در راستای عنوان این مقاله، برابر تحقیق و بررسی نسبتاً گسترده و مستمری که نگارندگان بعمل آورده‌اند، متأسفانه در کشور ما خلاء وجود پژوهش‌هایی که مستقلاً تأثیر سبک‌های فراغتی را بر اخلاق اجتماعی مورد سنجش قرار دهند کاملاً مشهود به نظر می‌رسد. و اکثر تحقیقاتی که در قالب کتاب، پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی و بویژه مقاله به انجام رسیده، بیشتر ناظر به بررسی موضوع اوقات فراغت از منظر دانش‌هایی همچون، روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، گردشگری، تربیت بدنی و ... بوده است و حتی در آنجا که اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی نیز به این کار همت گمارده‌اند نیز، مفصل‌بندی مباحث مربوطه بیشتر حول مسائلی همچون برنامه‌ریزی در راستای غنی‌سازی اوقات فراغت، انگیزه‌ها، شرایط و الزامات آن و بطور کلی با در نظر گرفتن اوقات فراغت بعنوان متغیر وابسته بوده و معمولاً به توصیف صرف وضعیت موجود بسنده شده است و متأسفانه کمتر کار تبیینی در این خصوص به انجام رسیده است.

باوجود این، نگارندگان کوشیده‌اند با دقت نظر در این منابع و با رویکردی جامعه‌شناختی، نسبت به استخراج نمادها و نشانه‌هایی از اخلاق اجتماعی و یا پدیده‌هایی که به نحوی با اخلاق اجتماعی مرتبط بوده و متأثر از نحوه گذران اوقات فراغت مردم می‌باشند اقدام نمایند. اگرچه گاه این نمادها و نشانه‌ها چنان در متن این پژوهش‌ها مستتر می‌باشند که شناسایی و مطالعه آنها بسیار مشکل می‌باشد، اما دراین تحقیق با روشی فراتحلیلی و بررسی و مقایسه کیفی نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین و با صرف نظر از سایر متغیرها و یافته‌هایی که با عنوان مقاله اخیر تناسب ندارند، سعی شده است بیشتر آن بخش از یافته و نتایج علمی این پژوهش‌ها، که جنبه‌هایی از مسائل مرتبط با اخلاق اجتماعی که تبلور خود را در مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، مصرف فرهنگی، هویت ملی و سلامت اجتماعی را نشان می‌دهند مورد مذاقه قرار گیرد. در این راستا، این تحقیق با

رویکردی فرا تحلیلی و با استفاده از داده های اسنادی و کتابخانه ای، در پی پاسخ به این سوال است که آیا اوقات فراغت می تواند بر اخلاق اجتماعی تأثیر گذار باشد؟ اگر چنین است، تاکنون تأثیر اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی جامعه ایران، با مطالعه نشانه های آن در حوزه هایی همچون سرمایه اجتماعی، هویت ملی، سلامت اجتماعی، ارزش های اجتماعی و مصرف فرهنگی چگونه بوده است؟

مبانی نظری

فراغت در زبان انگلیسی از Leisure, Licere و نیز Edse به معنای سهولت، آسانی، راحت، فراغت و آسایش گرفته شده است. در فرهنگ دهخدا، فراغت به معنای آسایش و استراحت، ضد گرفتاری از کار و مشغله، فراغت داشتن و فراموش کردن آمده است. در فرهنگ لاروس اوقات فراغت چنین تعریف شده است: سرگرمی ها، تفریحات و فعالیت هایی که افراد به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آنها می پردازند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۴).

مارکس در کتاب ایدئولوژی آلمانی چنین نوشته است: «از لحظه ای که کار تقسیم می شود، زمینه فعالیت محدود و معینی بر هر شخص تحمیل می شود اگر شکارچی، ماهیگیر، چوپان یا نویسنده است، باید در همان حرفه خویش بماند. در عین حال معتقد است که اگر کار از قید و بند رها شود، جامعه نیز چهره انسانی به خود می گیرد. به اعتقاد او امکان پرداختن به چیز دیگری غیر از کار، فقط با کاهش زمان کار ممکن است، تصور می شود که این اظهار نظر به خوبی مؤید نظرهای مارکس درباره اوقات فراغت است، یا در جای دیگر کار را به خودی خود نخستین نیاز انسان می داند و معتقد است کار در صورتی که وقت آزاد را افزایش دهد و اوقات فراغت را تکمیل کند، شایسته انسان است.

ماکس کاپلان جامعه شناس آمریکایی، در کتاب «فراغت در آمریکا»، فراغت را در مقابل کار در نظر گرفته است. به نظر او فراغت، خاطره ی دلپذیر است، نوعی رهایی از وظایف اجتماعی، نوعی ادراک روانی آزادی و نوعی فعالیت فرهنگی است و سرشتی از نوع بازی دارد. کاپلان فراغت را از نظر محتوا یعنی نوع فعالیت تحلیل نکرده، بلکه از نظر رابطه ای که انسان با این فعالیت ها برقرار می کند بررسی کرده است. آگوست کنت جامعه شناس فرانسوی، معتقد است لحظات اوقات فراغت امکان توسعه و پیشرفت را برای انسان فراهم می کند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۶).

تورستاین وبلن، یکی از صاحب نظران پیشگام در این عرصه، فراغت را به عنوان موضوعی مستقل مطالعه و تبیین کرده و درباره ی تغییر نقش و کارکرد فراغت در جامعه ی جدید نظریه پردازی کرده است. در نظریه ی او مصرف و فراغت چشمگیر (و نمایشی)، راهی است برای نمایاندن منزلت و موقعیت اجتماعی برای اینکه انسان ها در چشم دیگران برتر جلوه کنند و برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند. آداب و روش های زندگی طبقات بالا با فراغت و مصرف چشمگیر توأم است (کوزر، ۱۳۸۰: ۳۶۲). **نظریه پردازان مکتب فرانکفورت** نیز با انتقاد به جامعه ی سرمایه داری و سلطه ی فرایندهای اقتصادی بر عرصه های مختلف زندگی مردم از جمله عرصه ی فراغت، دیدگاهی مشابه با وبلن اتخاذ کرده و به گونه ای دیگری نشان می دهند که چگونه فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. آدورنو و هورکهایمر، فراغت های مصرفی و سرمایه دارانه را ابزاری برای سلطه ی بیشتر می شمارند و مؤسسات فراغتی را مؤسسات سوق دهنده ی مردم به طرف اشکال مقبول اوقات فراغت و بازتولید ساختار اجتماعی می دانند (هی وود ۱۳۸۰: ۳۳۵ و ۳۳۶).

اخلاق از منظر جامعه‌شناسی

جاناناتان اچ ترنر (۲۰۱۰) در پاسخ به چیستی اخلاق، از منظر جامعه‌شناسی، بر آن است که در این باره یک تعریف و پاسخ روشن نداریم، اما اخلاق شامل چند عنصر به هم پیوسته است:

- ۱) کدهای فرهنگی عمومیت یافته جهت تشخیص درست-غلط، خوب و بد، و مناسب و نامناسب
 - ۲) وجود تمایل عاطفی قوی بسوی این کدها
 - ۳) احساس رضامندی و احساس شادمانی زمانی که خود و دیگران این کدها را رعایت میکنند
 - ۴) احساس تنفر از کسانی که این ایده‌های فرهنگی را زیر پا می‌گذارند
 - ۵) احساس مثبت و مشترک در میان کسانی که به این قواعد متعهد می‌باشند.
- این پنج بعد اخلاقی همگی متغیر هستند: یعنی آنها می‌توانند درجات متفاوتی داشته باشند و بنا به موقعیت اجتماعی و شکل بندی اجتماعی فرهنگی در این موقعیت‌ها می‌توانند بیشتر و کمتر باشند.
- از منظر جامعه‌شناسی باید گفت اخلاق در سطوح متفاوت ساختار فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. در سطوح کلان در ارزش‌های درست-غلط، خوب-بد و مناسب-نا مناسب ظهور می‌یابد که گاهی شکل ایدئولوژی هم پیدا می‌کند و در درون نهادهای جامعه مثل اقتصاد، خویشاوندی، سیاست، حقوق، دین و دیگر حوزه‌های زندگی اجتماعی مطرح می‌باشد (حاجیانی، ۱۳۹۳: ۲۱). در مجموع باید گفت از نگاه جامعه‌شناسی اخلاق سه مسئله حائز اهمیت عبارت است از:

- ۱) توجه به ساخت‌های اجتماعی موثر بر اخلاق به عنوان منابع قدرت اخلاق
- ۲) تمرکز بر الگوهای پیچیده اجتماعی، تاریخی معنی‌یابی اخلاقی
- ۳) تأکید بر مطالعه داوری‌ها یا قضاوت‌های اخلاقی و کنش‌ها و گفتمان‌های بومی در زمینه‌های متفاوت (Hitling and Vaisey, 2010, P: ۸) به نقل از حاجیانی، ۱۳۹۳: ۲۳).

بنا به نظر دورکیم، «مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی ... نظم، فراگردی غیر ارادی است که از درون جامعه خود به خود می‌جوشد ... آنچه حافظ نظم است، عنصری اخلاقی است». او قویاً اظهار می‌دارد که جامعه‌شناسی، علم «واقعیات اخلاقی» است. اخلاق در اندیشه دورکیم، متشکل از چند عنصر اساسی است:

۱- قواعد: بدین معنی که اخلاق در نهایت سیستمی از قواعد در جهت هدایت فعالیت‌های مردم است که مشتمل بر دو عنصر اصل است:

الف) اقتدار: قواعد اخلاقی در واقع با نوعی اقتدار ممزوج و آمیخته گردیده است و مردم نسبت به آنها احساس تکلیف دارند که باید از آنها اطاعت و حفاظت نمایند، چرا که در نزد آنها مقدس می‌باشند.

ب) مطلوبیت: قواعد اخلاقی تعیین‌کننده اهداف مطلوبی هستند که جهت دهنده و جذب‌کننده انرژی افراد به سوی خود می‌باشند و ناظر بر مفاهیم خوب و مطلوب است که هنجارهای صرفاً لذت‌گرایانه متمایز است.

۲- اتصال: قواعد اخلاقی عامل ارتباط، اتصال و ادغام فرد در گروه یا جامعه است و احساس تعلق، تکلف و تعهد فرد نسبت به جمع را در افراد جامعه تکوین و تقویت نموده و لذا موجب پرهیز از خودمحوری و سرکشی افراد در اجتماع می گردد.

۳- اختیار: شرایط جامعه باید به گونه ای تنظیم گردد که مردم خود به این درک و آگاهی نائل شوند که آزاد گذاشتن تمایلا نامحدود و فردگرایی افراطی، حالات نابهنجار و بیمار گونه ای هستند که موجب نابسامانی جامعه و گسترش انحرافات اجتماعی می گردد و در نتیجه امنیت اخلاقی جامعه را تهدید می کنند. لذا در یک جامعه متعادل افراد، آگاهانه و به طور داوطلبانه تن به محدودیت ها و قیود اخلاقی می دهند (پویافر، ۱۳۸۹: ۴). براین اساس استحکام اخلاق به عنوان پایه نظم اجتماعی مستلزم استحکام قواعد، ارزش ها و هنجارها و عناصر آن یعنی اقتدار، تقدس و مطلوبیت آنها، تقویت روابط اجتماعی و انسانی، وجود آزادی توأم با آگاهی برای گسترش مشارکت داوطلبانه مردم در تمسک به ارزش ها است (حاجیانی، ۱۳۹۳: ۲۷).

چارچوب نظری

با واکاوی آنچه پیش تر در تعریف هر یک از مفاهیم فراغت و اخلاق اجتماعی بیان گردید، می توان به عینه شاخص هایی را در باب مقوله فراغت تشخیص داد که بطور غیرمستقیم متضمن تغییر و تحولات مثبت و یا منفی در اخلاق اجتماعی می باشند. تغییر و تحولاتی که آثار و نشانه های آن از دل تحقیقات کمی و کیفی انجام شده قبلی قابل استخراج بوده و با مطالعه آنها در زمینه هایی همچون سرمایه اجتماعی، ارزش های اجتماعی، هویت ملی، مصرف فرهنگی، سلامت اجتماعی و ... می توان بطور غیر مستقیم، دگرگونی هایی را که در عرصه اخلاق اجتماعی پدیدار می گردد را تبیین نمود.

با توجه به اینکه سبک های مختلف اوقات فراغت، همزمان و هم پای گذر جوامع انسانی از شرایط سنتی به سوی جهان مدرن و پسامدرن و به تبع آن شکل گیری سیستم ها و ساختارهای پیچیده در همه حوزه های کلان اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از حالت سرگرمی و بازی های صرفاً تفریحی فردی و خانوادگی که بیشتر در بستر یک سری تعاملات و کنش های ساده عاطفی و غیر رسمی شکل می گرفت خارج شده است، لذا باز تعریف مفهومی و نظری و مطالعه این نوع فعالیت ها در سپهر به شدت متکثر و پیچیده اجتماعی فعلی، نیازمند نگاهی همه جانبه می باشد که از طرفی با رویکردی خرد، رفتار فردگرایانه انسان انزوا طلب امروز را تشریح نماید و از طرف دیگر با رویکردی کلان نگر و ساختارگرایانه قابلیت آن را داشته باشد که با ارائه یک مدل نظری مناسب، نظم و سامان حاکم بر تعاملات فراگیر بین افراد، گروه ها، نهادها و به تعبیری کل کنشگران اجتماعی را به وجهی تبیین نماید که ضمن جلوگیری از حرکت این جوامع به سمت نوعی آشفتگی و انومی اجتماعی احتمالی، شرایط و الزامات بسط و ارتقاء اخلاق اجتماعی فراگیر را فراهم آورد.

از آنجائیکه موضوع این مقاله فراتحلیلی توجه به قسمت دوم مفروضات فوق الذکر و مطالعه تأثیرات کلان و ساختاری اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی می باشد، لذا نگارندگان با عنایت به تعاریف و شاخصه هایی که در قسمت مبانی نظری تحقیق از قول دومازیه، پارکر و .. برای اوقات فراغت، نقل گردید، با استدلال های ذیل به

اطلاعات							
۱	منصور ساعی و ...	بررسی اثر مصرف فرهنگی فراغتی جوانان بر سبک زندگی و ارزش های اجتماعی آنان - ۱۳۹۲	کنگره اوقات فراغت شیراز	پیمایش	۲ پرسش	خوشه ای	پرسشنامه
۲	غلامرضا غفاری	پیوند و تعامل اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی در میان جوانان ایرانی - ۱۳۸۷	فصلنامه مطالعات جوانان	تحلیل ثانویه	۱ پرسش	-	اسنادی
۳	عباس اردکانیان	اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه - ۱۳۸۹	برگ فرهنگ	اسنادی - تحلیلی	-	-	کتابخانه ای
۴	ناصر فکوهی و ...	اوقات فراغت و شکل گیری شخصیت فرهنگی - نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران - ۱۳۸۲	نامه انسانشناسی	مشاهده - مصاحبه عمیق	۳ پرسش	انتخابی	مصاحبه و مشاهده و پرسشنامه
۵	جعفر هزارجریبی و ...	اوقات فراغت و سلامت اجتماعی - ۱۳۹۱	فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی	پیمایش	۵ فرضیه	تصادفی چند مرحله ای	پرسشنامه و اسنادی
۶	تقی آزاد ارمکی و ...	فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذراندن اوقات فراغت نسل جوان - ۱۳۹۱	فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی	کیفی - مصحبه عمیق	۲ پرسش	نظری	مصاحبه
۷	احسان پوراسماعیل	بهره وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه شناسان و مقایسه آن با آموزه های وحیانی - ۱۳۸۵	مجله پژوهش دینی	مطالعات تطبیقی	-	-	اسنادی
۸	مریم رفعت جاه و ...	تبیین جامعه شناختی فعالیتهای فراغتی دختران جوان - ۱۳۸۹	فصلنامه مطالعات راهبردی زنان	پیمایش	۵ پرسش	خوشه ای	پرسشنامه
۹	رسول نظری	مطرح شدن اوقات فراغت به عنوان یک چالش اجتماعی - ۱۳۸۶	فصلنامه تربیت بدنی و علوم ورزشی	پیمایش	-	تصادفی خوشه ای	پرسشنامه
۱۰	سیدابوالحسن ریاضی	تصویری از فرهنگ مصرفی جامعه ایران با استفاده از داده های یک پیمایش ملی پیرامون گذران اوقات فراغت - ۱۳۹۲	فصلنامه تحقیقات فرهنگی	اسنادی (تحلیل ثانویه)	-	خوشه ای چندمرحله ای	اسنادی
۱۱	باقر ساروخانی و ...	بررسی جامعه شناختی تأثیر گذران اوقات فراغت در تکوین هویت ملی جوانان - ۱۳۹۰	فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی	پیمایش	۲ پرسش	خوشه ای	پرسشنامه
۱۲	نقی سنایی	هندسه مفهومی اوقات فراغت با رویکرد جامعه شناختی، روانشناختی و اخلاق - ۱۳۹۲	فصلنامه معرفت اخلاقی	توصیفی - تحلیلی	-	-	اسنادی - کتابخانه ای
۱۳	سیدمحمدصادق مهدوی و ...	کج رفتاری و اوقات فراغت - ۱۳۸۷	پژوهش نامه علوم اجتماعی	پیمایش و مصاحبه	-	تصادفی	پرسشنامه و مصاحبه مبتنی بر گروه متمرکز
۱۴	افسانه ادیسی و ...	سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فرهنگی دانشجویان با رویکرد نظری بورديو - ۱۳۹۱	فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان	پیمایش	۴ پرسش	طبقه بندی نامتناسب و تصادفی ساده	پرسشنامه
۱۵	مرتضی منادی	اوقات فراغت و چالشهای جهانی	فصلنامه انجمن	کیفی	-	تصادفی	مصاحبه -

پرستنامه				ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	شدن - مقایسه دو نسل - ۱۳۸۶	
پرستنامه - مصاحبه	خوشه ای	-	کیفی - پیمایشی	فصلنامه تحقیقات فرهنگی	اوقات فراغت و هویت اجتماعی - ۱۳۸۸	۱۶ رسول ربانی و ...
پرستنامه	خوشه ای چند مرحله ای	۱ فرضیه	پیمایش	فصلنامه زن در توسعه و سیاست	اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان - ۱۳۹۰	۱۷ قربانعلی ابراهیمی و ...
پرستنامه و کتابخانه	خوشه ای چند مرحله ای	۷ فرضیه	پیمایش توصیفی و تبیینی	فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران	رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی جوانان شهر تهران - ۱۳۹۰	۱۸ باقر ساروخانی و ...
پرستنامه	طبقه ای خوشه ای چند مرحله ای متناسب	۴ فرضیه	پیمایش	فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات	اوقات فراغت و هویت - ۱۳۸۸	۱۹ قربانعلی ابراهیمی
اسنادی	-	-	فرا تحلیل	اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران	سبک های فراغتی جوانان (کتاب) - ۱۳۹۱	۲۰ محمد سعید ذکایی
پرستنامه		-	کمی پیمایشی	گزارش ملی جوانان	بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان (کتاب) - ۱۳۸۲	۲۱ سازمان ملی جوانان
پرستنامه	خوشه ای	۵ فرضیه	اسنادی و پیمایشی	دانشگاه آزاد تهران (پایان نامه)	بررسی وضعیت اوقات فراغت دختران دبیرستانی در منطقه ۱۷ آموزش و پرورش تهران - ۱۳۷۲	۲۲ نرگس عابدین زاده
پرست نامه	خوشه ای	۴ فرضیه	اسنادی و پیمایشی	دانشگاه تربیت معلم (پایان نامه)	بررسی وضعیت اوقات فراغت دانش آموزان دختر در سال سوم دبیرستانهای مربوط به مناطق ۱۷ شهر تهران - ۱۳۷۰	۲۳ فرزانه زال زاده
پرستنامه	خوشه ای چند مرحله ای		پیمایش	فصلنامه دانش انتظامی	بررسی جامعه شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت ملی و مؤلفه های آن - ۱۳۸۸	۲۴ امیر ملکی و ...
پرستنامه	خوشه ای	۴ فرضیه	پیمایش	پایان نامه دانشگاه علامه طباطبایی	بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت و میزان سلامت اجتماعی - ۱۳۹۰	۲۵ فاطمه حسینی
پرستنامه	خوشه ای	۴ فرضیه	پیمایش	طرح پژوهی آموزش و پرورش	تأثیرگذاری اوقات فراغت بر ناهنجاری اجتماعی در بین دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهرستان کرمانشاه - ۱۳۷۴	۲۶ فرشته صحراکار
پرستنامه و کتابخانه ای	خوشه ای	۳ فرضیه	پیمایش	پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی	تأثیر برنامه های کار گروه ورزش و اوقات فراغت سرای محلات بر رشد اجتماعی دانش آموزان مقطع راهنمایی - ۱۳۹۳	۲۷ سمیه سیاه پور
پرستنامه	خوشه ای	۶ فرضیه	پیمایش	پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی تهران	رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت اجتماعی جوانان شهر تهران - ۱۳۹۰	۲۸ محمد میرزا ملکیان

				مرکزی		
اسنادی	-	۱ پرسش	تحلیل ثانویه	فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات	بررسی پیامدهای کاربرد فراغتی اینترنت بر رفتارهای فراغتی جوانان تهرانی-۱۳۸۶	حسن نوری نیا و... ۲۹

آنالیز کمی تحقیقات انجام گرفته (در یک نگاه کلی)

با استناد به جدول فوق که مشخصات کلی تحقیقات انجام شده پیرامون مقوله های مرتبط با اوقات فراغت را که بطور مستقیم یا غیرمستقیم بر شاخصه های اخلاق اجتماعی تاثیر گذار می باشند را به تصویر کشیده است می توان به یافته های زیر رسید :

جدول ۲. از نظر شیوه مطالعه

درصد	فراوانی	روش تحقیق
۴۵	۱۳	پیمایش
۱۰	۳	کمی و کیفی
۷	۲	کیفی
۱۰	۳	تحلیل ثانویه
۲۸	۸	سایر
۱۰۰	۲۹	جمع

جدول ۳. از نظر ابزار جمع آوری اطلاعات

درصد	فراوانی	ابزار جمع آوری اطلاعات
۴۵	۱۳	پرسشنامه
۲۴	۷	اسنادی و کتابخانه ای
۲۴	۷	ترکیب پرسشنامه با مصاحبه یا اسناد
۷	۲	مصاحبه
۱۰۰	۲۹	مجموع

جدول ۴. از نظر رده سنی جامعه آماری

درصد	فراوانی	از نظر رده سنی
۵۹	۱۷	جوانان (بویژه دانش آموزان)
۴۱	۱۲	کلیت جامعه
۱۰۰	۲۹	مجموع

از نظر سال انتشار

از نظر سال انتشار تحقیقات نیز ملاحظه می شود که اکثریت قریب به اتفاق آنها در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ منتشر گردیده اند که این امر با توجه به توسعه پایگاه های اطلاعاتی طی سال های اخیر و به تبع آن امکان دسترسی بیشتر به منابع جدید امری طبیعی به نظر می رسد ضمن اینکه افزایش تعداد دانشجویان و پژوهشگران دارای تحصیلات تکمیلی در طی سنوات اخیر نیز در این میان می تواند عامل تعیین کننده باشد، که همین امر ضرورت

ساماندهی و هدایت تحقیقات مستقل و پراکنده را در جهت ارتقا کیفیت و بهره‌گیری بیشتر کشور از نتایج آنها اجتناب ناپذیر می‌نماید.

جدول ۵. از نظر شیوه نمونه‌گیری

درصد	فراوانی	روش نمونه‌گیری
۵۲	۱۵	خوشه‌ای
۱۷	۵	تصادفی
۷	۲	نظری با انتخابی
۲۴	۷	بدون ذکر روش نمونه‌گیری
۱۰۰	۲۹	مجموع

بحث و بررسی

در اینجا با عنایت به نتایج تحقیقات انجام گرفته به بحث و تحلیل پیرامون تأثیر اوقات فراغت بر هر یک از حوزه‌های مورد بررسی که به نحوی و جوهی از اخلاق اجتماعی را بازنمایی می‌کنند می‌پردازیم:

تأثیر اوقات فراغت بر سرمایه اجتماعی

نتایج کلی تحقیقات انجام شده در این رابطه نشان می‌دهد که گذران اوقات فراغت به شکل فعالیت‌های جمع‌گرایانه تعاملی که ترکیبی از انجام این امور در خانه و خانواده و محیط‌های بیرونی و عمومی باشد، موجب تقویت خصایصی همچون برون‌گرایی، اجتماعی بودن و فعال و خلاق بودن افراد، بویژه نسل جوان می‌گردد. البته سواى این خصائص، در صورت فقدان هدایت‌ها و کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی در مواردی ممکن است به هنجارشکنی‌ها و آنومی اجتماعی نیز منجر شود. در مواردی که سرمایه اجتماعی با سه شاخص اعتماد نهادی، مشارکت انجمنی و تعداد دوستان سنجیده شده، نتایج حاکی از آن است میزان تماشای تلویزیون با تعداد دوستان ارتباط معناداری ندارد اما با افزایش تماشای تلویزیون میزان مشارکت انجمنی افراد کاهش یافته در حالیکه میزان اعتماد نهادی افزایش می‌یابد. این نکته را می‌توان اینگونه تحلیل کرد که تلویزیون دولتی ایران که خود نماینده نهادی بنام سازمان صدا و سیماست بعنوان تریبون رسمی نظام، مبلغ و اشاعه‌گر آرمان‌ها و اصول مورد نظر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و طبیعی است که افزایش تماشای تلویزیون، باعث افزایش اعتماد به سایر نهادهای کشور می‌گردد. همچنین با افزایش استفاده از اینترنت، بازی‌های کامپیوتری، گوش دادن به موسیقی و تماشای برنامه‌های ماهواره بعنوان جایگزین تلویزیون ملی، میانگین اعتماد نهادی کاهش می‌یابد. نکته دیگری که از نتایج تحقیقات بررسی شده استنباط می‌گردد این است که با افزایش فعالیت‌های فراغتی از قبیل معاشرت با اقوام، رفتن به سینما، تئاتر، پارک و مراکز تفریحی و رفتن به سفرهای زیارتی و سیاحتی و نیز پرداختن به ورزش، هر سه شاخص سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. فراغت، با فراهم کردن امکان و فرصت برقراری روابط خانوادگی، دوستانه، گروهی و حرفه‌ای به تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند، زمینه را برای انجام فعالیت‌های مشارکتی فراهم می‌سازد و مسئولیت‌پذیری و احساس تعهد اجتماعی را افزایش می‌دهد. و همه این‌ها حاوی مصادیق عملی عناصر اصلی اخلاق اجتماعی همچون مطلوبیت، اتصال و اختیار می‌باشند که در قسمت چارچوب نظری تحقیق، بر اساس نظر دورکیم برای اخلاق اجتماعی لحاظ گردیده است.

تأثیر اوقات فراغت بر ارزش های اجتماعی

تحقیقات دوره ای اینگلهارت (۲۰۰۵) تحت عنوان مطالعات ارزش های جهانی نشان می دهد که تغییرات وسیعی در ارزش ها و سبک زندگی مردم جهان بوجود آمده است که وی مهمترین عوامل تأثیر گذار بر این تغییرات را افزایش تعاملات فرا ملی و بین فرهنگی ناشی از توسعه رسانه های نوین و ارتباطات دانسته است. مجموع تحقیقات انجام شده در ایران نیز روند مذکور را تأیید می نماید. به نحوی که سبک های جدید فراغتی و بویژه استفاده نسل جوان از وسایل جدید ارتباطی، منجر به ایجاد تفاوت در نگرش آنان در مقایسه با بزرگسالان به مقولات ارزشی همچون، سنت، جهان گرایی، بر انگیزختگی، دین، امنیت، دفاع از میهن و سایر ارزش های اجتماعی جامعه ایران گردیده است. این تفاوت ها همچنین در مقولاتی چون، معیار های اخلاقی انتخاب همسر، روابط عاطفی و عاشقانه دختر و پسر، پوشش، قانونگرایی، مسئولیت پذیری، پایبندی به رسوم و سنن دینی و تاریخی قابل تأمل است. البته در این بین، تلویزیون داخلی ایران نیز بویژه در حوزه مناسبت های مذهبی توانسته است با معرفی اصول اعتقادی و نمادهای شیعی به عنوان کالای فرهنگی، تأثیرات عمده ای بر ساختار مراسمات دینی بر جای گذارد. هر چند کماکان در سایر حوزه های فرهنگی و اجتماعی از پاسخگویی به دغدغه مسئولین فرهنگی و مطالبات مردم عاجز بوده است. بی گمان، تغییرات سریع در فناوری اطلاعات و ارتباطات و اهمیت نقش رسانه ها در زندگی شخصی و گروهی افراد جامعه، نتایج مختلفی را در بر داشته که یکی از آنها پر رنگ شدن پدیده سبک زندگی و ساحت های مختلف جوانان در زمینه ارزش های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قانونی، دینی و ... است. مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان دهنده تفاوت بین جوانان برخوردار و غیر برخوردار است. بدین سان که رسانه بعنوان منبع نشر و اشاعه نوآوری ها و ایده های نو، به تعبیر اینگلهارت بر تفاوت ارزشی بین نسلی تأثیر گذاشته است. لباس های متحد الشکل جوانان، موسیقی پاپ و ... از نمود های تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و سبک زندگی نسل کنونی و عدم پایبندی به سنت ها و ارزش های فرهنگی خود است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۱۴، به نقل از ساعی، ۱۳۹۲: ۹۹). و از آنجا که بسیاری از سنت ها و ارزش های فرهنگی در اخلاق و بخصوص اخلاق اجتماعی بروز و نمود می یابند، بی شک هر گونه فعل و انفعال و تغییری در این عرصه ها، در اخلاق اجتماعی جامعه نیز موثر و کارگر خواهد افتاد.

تأثیر اوقات فراغت بر سلامت اجتماعی

تمام تحقیقات انجام گرفته، تأثیر گذران اوقات فراغت بر سلامت اجتماعی را تأیید می نمایند، یکی از مهمترین متغیرهایی که تأثیر محوری بر سلامت اجتماعی دارد، "میزان رضایت از اوقات فراغت" می باشد که رابطه مثبت و همبستگی متوسطی با سلامت اجتماعی دارد. تردیدی نیست که صرف پرداختن به اوقات فراغت، آنهم در شرایطی که اکثریت مردم و بویژه جوانان از کمبود امکانات و فضاهای فراغتی گلایه دارند، نه تنها نمی تواند سلامت اجتماعی را به دنبال داشته باشد بلکه در خیلی از موارد موجب انحرافات و کج رفتاری های اجتماعی نیز می گردد. اصولاً در جامعه ما بسیاری از جوانان که معمولاً اوقات فراغت زیادی را در شبانه روز تجربه می کنند، فراغت و سبک آن را با اکراه و از سر ناچاری و با توجه به محدودیت های موجود بر می گزینند و همین امر ممکن است بعنوان آفتی برای اخلاق اجتماعی عمل کند، چرا که عناصر مطلوبیت و اختیار که از شاخص های اصلی اخلاق

اجتماعی از نگاه دورکیم هستند در این نوع فعالیت های فراغتی موجود نبوده و فقدان آن ها ممکن است با ایجاد یک فضای آنومی، باعث بر هم خوردن انسجام و همبستگی اجتماعی که دورکیم در تعریف اخلاق اجتماعی از آن به عنصر اتصال یاد میکند گردد. بدیهی است از اصلی ترین عوامل و دلایل بازتاب های منفی این نوع شیوه ی فراغتی جوانان، مشکلات اقتصادی، بی کاری، ناامیدی از ادامه تحصیل و... و در یک کلام سرخوردگی اجتماعی می باشد. چرا که اصولاً اوقات فراغت برای افراد به موازات برخورداری از یک زیست متعارف و بویژه در کنار اصطلاحی بنام کار است که معنا می یابد و در فقدان عنصر کار و اشتغال اوقات فراغت با انحراف از معنا و مفهوم واقعی خود، زمینه ساز تأثیرات مخرب بر سلامت و اخلاق اجتماعی جامعه خواهد شد.

نکته دیگر آنکه، از میان سبک های مختلف اوقات فراغت، سبک های اجتماعی، جسمانی و فکری رابطه معنا دار و مستقیمی با سلامت اجتماعی دارند، این در حالیست که رابطه فراغت های هنری با سلامت اجتماعی معنا دار نبوده است. شاید گوشه گیری و انزواطلبی خاص اهالی هنر و تعریفی که از هنر و هنرمند در جوامعی چون ایران ارائه شده است بر این روند موثر بوده است. اما بی شک با رسوخ سبک های مدرن و غربی انواع هنرها، از جمله موسیقی پاپ و جاز و ... که فضا و افرادی انرژی و اکتیو را طلب می کنند، این نگرش ها تغییر یافته و پژوهش های جدید نتایج متفاوتی را رقم بزنند. از دیگر یافته های تحقیقی این است که در جامعه ایران رفته رفته از نقش خانواده ها در جامعه پذیری افراد کاسته شده و قسمت عمده این کارکرد بر عهده دیگر نهادها از جمله رسانه های جمعی که از مهمترین ابزار و مصادیق گذران اوقات فراغت می باشند نهاده شده است و به تبع آن، اخلاق اجتماعی نیز تحت تأثیر این عوامل از شکل سنتی و متعارف خود فاصله گرفته و به سمت یک اخلاق شهروندی جهانشمول که متأثر از پدیده جهانی شدن می باشد پیش می رود. البته با وجود تهدیداتی که از ناحیه سبک های ناسالم اوقات فراغت متوجه سلامت اجتماعی و اخلاق اجتماعی می باشد، تحقیقات نشان می دهد که بعنوان مثال هنوز ۹۰ درصد از دانشجویان الگوهای فراغتی سالم و کاملاً سالم دارند و تنها حدود ۶ درصد از آنان الگوهای آسیب زا را دنبال می کنند. و این یافته با نظریات تحقیقی آقای حاجیانی در کتاب جامعه شناسی اخلاق که در مخالفت با روایت کلانی که وضعیت اخلاقی جامعه ایران را در شرایط کاملاً بحرانی و در معرض فروپاشی و اضمحلال میداند، ابراز نموده اند، تناسب و تطابق دارد.

تأثیر اوقات فراغت بر هویت ملی

برخی پژوهش ها نشان داده است که ارتباطات گسترده، سبب تقویت بعد اجتماعی هویت ملی می گردد. نتایج این تحقیقات همچنین نشان می دهد که فراغت ماهواره محور بیشترین نقش را در تبیین هویت ملی دارد و پس از آن، منطقه سکونت، فراغت ورزشی، فراغت مذهبی، فراغت مجازی و فراغت فرهنگی بیشترین نقش را دارند. تحقیق ساروخانی و دیگران (۱۳۹۲)، نشان داده که رسانه های ارتباطی (ماهواره و اینترنت) در مجموع، ۵۱/۵ درصد از تغییرات هویت ملی جوانان را تبیین نموده است. تحقیق ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸) نیز که در آن متغیر فعالیت های زمان فراغت در کنار سایر متغیرهای غیر فراغتی در جدول تحلیل رگرسیونی عوامل تأثیرگذار بر هویت ملی مورد سنجش قرار گرفته، نشان می دهد که فعالیت های زمان فراغت با ضریب بتای ۰.۲۱ پس از تحصیلات پاسخگویان، بیشترین تأثیر را بر هویت آنان داشته است.

روجک معتقد است که "تجربه فراغت آکنده از نبردهای اخلاقی است، زیرا به طور مرتب این پرسش را مطرح می کند که چه چیز برای شما و دیگران خوب است" به همین علت، بعضی از گونه های فراغت رسانه ای - الگوهای فراغت مجازی و ماهواره محور - به علت انطباق نداشتن با چهارچوب های رسمی، چالش های اخلاقی بسیاری را در جامعه ما ایجاد کرده اند به گونه ای که تهدیدی برای هویت یابی جوانان به شمار می روند. بعضی افراد از چالش های اخلاقی و سیاسی رسانه های جدید دوری می گزینند در حالی که عده ای نیز خود را در معرض چالش های مذکور قرار می دهند با وجود این بیشتر جوانان در گذران فراغت خود از یک سو، درگزینه و هدایت مسیری بین چالش ها و مسئولیت های برخاسته از بافت های عملی زندگی روزمره شان و از سوی دیگر، بین چالش ها و مسئولیت های نشأت گرفته از تجربه رسانه ای تلاش دارند. آن ها سعی دارند در اوقات فراغت خود توازنی ایجاد کنند که بتوانند با آن هویت اجتماعی خویش را بازتعریف کنند البته سنت (خصوصاً سنت دینی) همچنان وسیله مهم تغذیه و پرورش حس هویت و تامین حس تعلق در میان جوانان ایرانی است (ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۹ و ۸۰).

رابطه اوقات فراغت و مصرف فرهنگی

مصرف، مهمترین حوزه در مطالعات مربوط به سبک زندگی است. این حوزه گستره بسیاری از فعالیت های مربوط به زندگی روزمره را در بر می گیرد. بر اساس گروه بندی محصولات فرهنگی به پنج دسته شامل: فیلم، موسیقی، مطالعه، استفاده از اینترنت و استفاده از ماهواره، نتایج تحقیقات حاکی از آن است که در همه مولفه های شاخص مصرف فرهنگی بجز موسیقی تفاوت بین طبقات اجتماعی معنا دار است. این تفاوت بر اساس جنسیت پاسخگویان نیز در شاخص هایی مانند موسیقی و فیلم دیده می شود. بر این اساس می توان نتیجه گرفت هنوز ساختارهای طبقاتی و هویت جنسیتی تا حد زیادی تعیین کننده الگوهای فراغتی هستند. البته این نتایج با نتایج تحقیقات مشابهی که الگوهای فراغتی مدرن را بر سازنده هویت های تمایز نیافته می دانند و اهمیت و جایگاه بحث های کلاسیک مربوط به طبقه را - با رویکرد تمایز زدایانه ای که ریشه در نظریات اندیشمندانی چون بودریار و بوردیو و... دارند - به چالش کشیده اند، متفاوت اند.

برخی تحقیقات، جریان آزاد اطلاعات ناشی از گسترش روز افزون رسانه های جمعی و همچنین افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهی در رشته های مختلف را عاملی دانسته اند که به لحاظ نظری و فکری، سلاقی و ترجیحات ذهنی نسل جوان را دستخوش تغییر و تحول نموده است. همچنین بسیاری از پژوهش ها موید آن است که از میان سبک های مختلف گذران اوقات فراغت، گرایش دانشجویان به سبک رسانه محور بیشتر از سایر سبک هاست. و از طرفی محتوای فراغت رسانه ای دانشجویان بیشتر تفریح و سرگرمی محور است و اقبال چندانی به سبک های آموزش محور، اجتماع محور و ورزش محور دیده نمی شود و بر اساس نتایج همین تحقیقات، استفاده از رسانه به شکلی که بیان شد موجب تقویت اجتماع گریزی و انزوا جویی در جوانان می شود. که البته همان گونه که قبلاً در بخش های دیگر گفته شد برخی پژوهش ها خلاف این امر را ثابت کرده اند.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مطالعه و بررسی اولیه تحقیقات انجام گرفته پیرامون مقوله اوقات فراغت نشان داد که اگرچه از لحاظ کمی پژوهش های فراوانی در این خصوص انجام پذیرفته است، اما در اکثر قریب به اتفاق این پژوهش ها، اوقات فراغت به عنوان

متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفته است. جدای از این موضوع، اکثر پژوهش‌ها نیز جنبه توصیفی داشته و صرفاً موارد معدودی از این تحقیقات با رویکرد تبیینی صورت گرفته است. اما در مجموع و در پاسخ به مساله تحقیق، ملاحظه گردید که برابر رویکرد کارکردگرایانه دورکیمی، تاثیر مقوله فراغت بر مولفه‌های مرتبط با اخلاق اجتماعی، کاملاً آشکار و در خور توجه است.

به گمان نگارندگان، در نظر گرفتن اوقات فراغت به عنوان متغیر وابسته در تحقیقات پیشین، بیشتر میراث نگاهی است که طی ادوار گذشته، "فراغت" را به عنوان امری حاشیه‌ای و فرع بر مفهوم بنیادین "کار" در نظر می‌گرفته است. حال آنکه در شرایط امروز جهان، نحوه گذران اوقات فراغت، خود چنان اهمیت و جایگاهی یافته است که می‌تواند (و توانسته است) فرصت‌ها و چالش‌های بزرگی را در کلیه زمینه‌ها فرا روی بشر قرار دهد. فرصت‌ها و چالش‌هایی که مطالعه و بررسی آن‌ها با چرخش نظری که در پرداختن به اوقات فراغت شکل گرفته، عرصه وسیع و کم و بیش ناشناخته‌ای را در اختیار پژوهشگران اجتماعی قرار داده، تا پیامدها و آثار سبک‌های مختلف فراغتی، از ساده‌ترین و متعارف‌ترین شکل آن گرفته تا اشکال مدرن آن - که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نوین هر روز خود را با آرایشی جدید عرضه می‌نماید را، مورد امعان نظر و تدقیق و بررسی قرار دهند.

در شرایطی که همه کشورهای دنیا از جمله ایران، هر کدام به درجاتی، در حال تجربه شرایط و الزامات مدرنیته و حتی پست مدرنیسم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود هستند و انسان امروزی به واسطه بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مدرن، وقت آزاد و فرصت پرداختن به امور فراغتی را بسیار بیشتر از پیش به دست آورده است، ایجاب می‌نماید زین پس اوقات فراغت به عنوان متغیری مستقل و تأثیرگذار که می‌تواند کلیه حوزه‌های خرد و کلان فرهنگی و اجتماعی جوامع انسانی را دستخوش تغییر و تحول نماید، بیشتر مورد مذاقه و عنایت قرار گیرد. هر چند در جامعه علمی و دانشگاهی ایران، در خصوص اخلاق اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی نیز بجز کار اخیر آقای ابراهیم حاجیانی (کتاب جامعه‌شناسی اخلاق) کار منظم و مدون آنچنانی صورت نگرفته است، با این حال در این تحقیق فرا تحلیلی کوشش گردید با مطالعه و باز نمایی تأثیرات اوقات فراغت در زمینه‌هایی همچون سرمایه اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، سلامت اجتماعی، هویت ملی و مصرف فرهنگی، تأثیرات غیر مستقیم آن بر اخلاق اجتماعی در جامعه ایران بر اساس تحقیقات انجام گرفته، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد و چنانچه پیشتر آمد این تأثیرگذاری، بعنوان واقعیتهای علمی اثبات گردید و البته این موضوع تحقیقی، شایسته پژوهش‌های نظری و کاربردی هم جامع‌تر و هم ریزبینانه‌تر در آینده است.

منابع

ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گدنه (۱۳۸۸)، اوقات فراغت و هویت، بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان بابلسر، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۸، صفحه ۱۴۸-۱۲۷.

افروز، غلامعلی (۱۳۷۰)، هنگامه‌های فراغت، زمینه‌ساز بهداشت روانی و بستر خلاقیت‌ها، ماهنامه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش، شماره ۱۴۲.

جلالی فراهانی، مجید (۱۳۹۱)، مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی، انتشارات دانشگاه تهران.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۳)، جامعه شناسی اخلاق، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- ساروخانی، باقر و دیگران (۱۳۹۲)، بررسی جامعه شناختی تأثیر گذران اوقات فراغت در تکوین هویت ملی جوانان، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صفحه ۸۱ - ۵۵.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان، تالیف گروه اجتماعی- فرهنگی دفتر مطالعات و تحقیقات.
- ساعی منصور و دیگران (۱۳۹۲)، بررسی اثر مصرف فرهنگی فراغتی جوانان بر سبک زندگی و ارزش های اجتماعی آنان، مجموعه مقالات کنگره ملی اوقات فراغت و سبک زندگی (شیراز)، مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان.
- صادقی، رسول و دیگران (۱۳۸۸)، نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹، صفحه ۳۵۷ تا ۳۸۹.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- مرندی، علیرضا (۱۳۸۵)، بهداشت عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هریس، دیوید (۱۳۹۱) مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت، ترجمه محمدسعید ذکایی و سنا چاوشیان، تهران: انتشارات تیسرا.
- هی وود، لس و همکاران (۱۳۸۰)، اوقات فراغت، ترجمه محمد احسانی، تهران، امید دانش.
- Inglehart, Ronald, Christian, Welzel (2005) *Modernization, Cultural Change and Democracy*, Cambridge University Press.
- Jarvie, Grant and Maguire, Joseph (1994) *Sport and Leisure in Social Thought*, Routledge.
- Parker, S(1983) *Leisure and Work*, London, George, Allen and Unwin.
- Rojek, chris(2005), *Leisure Theory*, London, Palgrave.